

الدرس الثاني

پاورپوینت عربی نهم

درس دوم

تهیه و تنظیم :

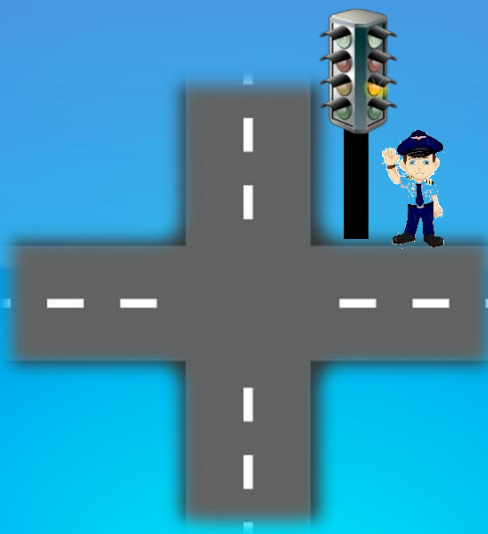


داور گیتی نورد دبیر عربی آذربایجان شرقی شهرستان سراب





الْعُبُورُ الْأَمِينُ



شروع



فهرست



الْعُبُورُ الْأَمِينُ

المعجم 🎨

متن درس 🎨

علائم راهنمایی و رانندگی 🎨

درست ، نادرست 🎨

وزن و حروف اصلی 🎨

فن ترجمه 🎨

تمارين 🎨

نور السماء 🎨

الأربعينيات 🎨



آمَنَ



ایمان آورد
مضارع : يُؤْمِنُ





أحب



محبوبتين





إشارات المرور ، إدارة المرور ، مرور



علامتهای راهنمائی و رانندگی ، اداره
راهنمائی و رانندگی ، گذر کردن





أَنْصَحُ



اندرزگوترین



أَنْصَحُ الْإِنْسَانَ



أَيُّمَكِنُ أَنْ تَرَجِعَ ؟



آيا امکان دارد برگردی ؟





بُكاء



گریه کردن ، گریه





تالي ، أليوم التّالي



بعدي ، روز بعد

اليوم التالي

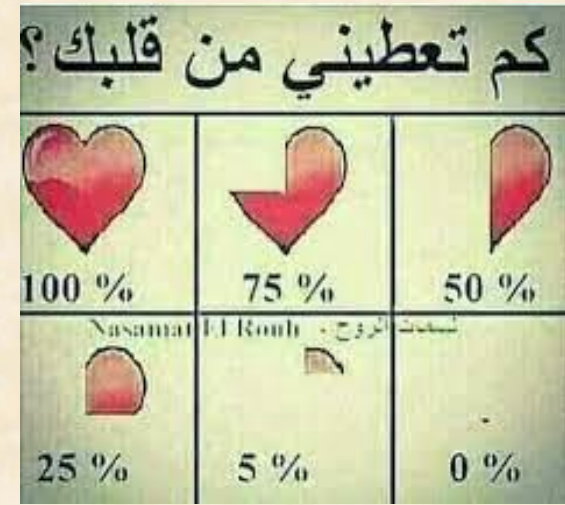




تُعطيني ، أن تُعطيني



به من مي دهى ، كه به من بدهى





تَفْضُل



بفرما





تَكَلَّمَ



صحبت کرد ، مضارع : يَتَكَلَّمُ





جِهَة



جهت (مسير)





ذَكِيّ



باهوش





رصيد



شارژ (اعتبار مالي)



رَقَدَ



بستري شد ، خوابيد
مضارع : يَرْقُدُ





سَتْرَ



پوشاند ، پنهان کرد





شاحنُ الجَوَّال



شارژ موبایل





شقاوة



بدبختی

شقاوه
سنگدلی، بدبختی
بینوایی
فرهنگ لغت هوشیار
جدول یاب



صَحِيفَة



روزنامه « جمع : صُحُف »
صَحِيفَة جِدَارِيَّة : روزنامه ديوارى



صَدَمَ



برخورد کرد

مضارع : يَصْدِمُ



فَجَاءَ



ناگهان

ناہی
دن میں کسیر
ازناصلہ بن دیکھتی خورم
ہم /
دیکھ رہی تھی ...





مذبح



زشتی





لَقَدْ



قَطْعاً





لَيْمَ (لِي + مَا)



برای چه



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

سوره صدق آیه 2

ای کسانی که ایمان آورده اید
چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید





ما



آنچه

من آن چه شرط بلاغ است با تو می گویم
تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال





مَحَلّ



مغازه « جمع : مَحَلّات »



مَعَ الْأَسْفِ



متأسفانه



نادی



صدا زد « مضارع : يُنادی »





هادئ



أرام

هل أنت هادئ؟



يَسُدُّونَ



می بندند « ماضی : سَدَّ / مضارع : يَسُدُّ »



الْعُبُورُ الْأَمْنُ

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا ؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ فَجَاءَهُ وَ ذَهَبَ إِلَى عُرْفَتِهِ ؛

سجاد با ناراحتی (اندوهگین) از مدرسه برگشت ؛ وقتی که همراه خانواده اش بر سر سفره غذا نشست ، ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت

ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ : « لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟! »

پدرش به سویش رفت و با او سخن گفت و از او پرسید : " چرا غذا نخوردی

أَجَابَ : « هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟ »

پاسخ داد : " آیا دوستم حسین را می شناسی ؟

قَالَ : « نَعَمْ ؛ أَعْرِفُهُ ؛ هُوَ وَ لَدَّ ذَكَرِيَّ وَ هَادِيٌّ ، مَاذَا حَدَّثَ لَهْ ؟ »

" گفت : " بله ؛ می شناسمش ؛ او پسری باهوش و آرام است ... چه اتفاقی





أَجَابَ سَجَّادٌ : « هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى ؛ صَدَمَتْهُ سَيَّارَةٌ ؛

سَجَّادُ جَوَّابُ دَادَ : او در بیمارستان بستری شده است ؛ ماشینی به او برخورد کرده است ؛

وَقَعَتِ الْحَادِثَةُ أَمَامِي ؛ عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ ؛ نَادَيْتُهُ ؛

حادثه جلوی من اتفاق افتاد ؛ وقتی که او را در پیاده رو به رو (مقابل) دیدم ؛ صدایش زدم ؛

فَقَصَدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ وَمِنْ غَيْرِ مَمَرٍ الْمَشَاةِ ؛

پس خواست بدون نگاه کردن به اتومبیلها و از جایی دیگر غیر از محل عابر پیاده عبور کند

فَقَتَّرَبَتْ سَيَّارَةٌ مِنْهُ وَصَدَمَتْهُ كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرَةً . «

که اتومبیلی به او نزدیک شد و به او برخورد کرد . سرعت اتومبیل زیاد بود





قال أبوه : « كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ ؟ » ● پدرش گفت : " حالا حالش چطور است ؟ "

قال سَجَّادٌ : « هُوَ مَجْرُوحٌ . » ● سَجَّاد گفت : " او زخمی است ؛ "

● في اليَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدْرِسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ وَ رَسَمَ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةِ



● و رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشُّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ .

در روز بعد معلّم از دانش آموزانش خواست قوانین عبور و مرور و علامت های راهنمایی و رانندگی را در یک روزنامه دیواری بنویسند و اعمال و رفتارهای درست را در خیابانها و راهها رعایت کنند



ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مِنتَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ ●

سپس مدیر مدرسه دانش آموزان را به پارک آموزش ترافیک برد .

و بَعْدَ يَوْمَيْنِ جَاءَ شُرْطِيُّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ لِشَرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ ●

پس از دو روز پلیس از اداره راهنمایی و رانندگی برای شرح دادن علامت های راهنمایی و رانندگی آمد

وَ طَلَبَ مِنْهُمْ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرٍ الْمَشَاةِ ●

از آن ها خواست از گذرگاه پیاده (خط کشی عابر پیاده) عبور کنند .

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيهَا ●

دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند و در آن علامت های راهنمایی و رانندگی را نقاشی (رسم کردند) و معانی آن را شرح دادند .





الدَّوْرَانُ عَلَى الْيَسَارِ مَمْنُوعٌ.



مَمَرٌ الْمَشَاةِ .



الدَّوْرَانُ عَلَى الْيَمِينِ مَمْنُوعٌ .



مُرُورٌ حَيَوَانَاتٍ أَهْلِيَّةٍ



مَمْنُوعُ الدُّخُولِ



إِشَارَةٌ مُرُورِ الْمَشَاةِ .

درستی یا نادرستی گزینه های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.



نادرست

درست



۱. كَانَ مَوْضِعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينِ الْمُرُورِ .
۲. الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مِنتَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ .
۳. رَقَدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوَصَفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ .
۴. رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا .
۵. أَبُو سَجَادٍ مَا عَرَفَ حُسَيْنًا .



وزن و حروف اصلي



۱. بسیاری از کلمه ها در عربی سه حرف اصلي دارند؛ مثال :

حروف اصلي	کلمات هم خانواده
ح ك م	حاکم، مَحکوم، حَکيم، حِکْمَة، مُحَاکِمَة، حُکومَة، أَحکام
ع ل م	عالم، مَعْلوم، عَليم، تَعْلیم، أَعْلَم، عُلوم، إِعلام

در کلماتی مانند « حاکم ، محکوم ، حکيم و » سه حرف « ح ک م » به ترتیب تکرار شده اند.

به این سه حرف « حروف اصلي » یا « ریشه » کلمه می گویند.



شناختن حروف اصلی به املاي ما کمک می کند. با نگاه به هم خانواده های یک کلمه می توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ اگر با دقت به این کلمه ها

« **مُجَالَسَة** / **مَجَالِس** / **مَجْلِس** / **إِجْلَاس** / **جُلُوس** / **جَلَسَة** / **جَلِيس** »

نگاه کنیم؛ در می یابیم که به ترتیب سه حرف « **ج ل س** » در آنها مشترک است.

سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

قَادِر ، مَقْدُور ، قَدِير



نَاظِر ، مَنظُور ، نَظِير



رَافِع ، مَرْفُوع ، رَفِيع





وزن و حروف اصلی

حروفی که همراه حروف اصلی می آیند؛ «حروف زائد» نامیده می شوند. این حروف معنای جدیدی به کلمه می دهند.
حروف اصلی کلمه ها به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می شوند.

مُ	ج	ا	ر	س	ة	مُجَالِسَة ←
مُ	ف	ا	ع	ر	ة	مُفَاعَلَة ←







وزن و حروف اصلی

۲. بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند ؛ مثال :

وزن	کلمات
فَاعِل	نَاصِرِ عَارِفِ ظَالِمِ فَاتِحِ قَاتِلِ ضَارِبِ رَافِعِ
مَفْعُول	مَنْصُورِ مَعْرُوفِ مَظْلُومِ مَفْتُوحِ مَقْتُولِ مَضْرُوبِ مَرْفُوعِ

کدام کلمه بر وزن فاعِل و کدام بر وزن مفعول است ؟ **مَقْطُوع** ، **حَامِد** ، **عَابِد** ، **مَذْکُور**

مفعول 

فاعِل 

توضیحات بیشتر





وزن كلمات



وزن کلمات به شما کمک میکند تا بتوانید با حفظ کردن فقط یک لغت ، معانی متفاوت آن رادر
وزنهای دیگر بیابید . به عنوان مثال :

کلمه : سَمِعَ (شنید) . سَامِع (شنونده) ، مَسْمُوع (شنیده شده) ، سَمِيع (شنوا)
إِسْمَعُ (بشنو) و

برای اینکه وزن کلمه ای را به دست آوریم کافی است چند کلمه هم خانواده برای آن کلمه
بیابیم . سپس ۳ حرف مشترکی را که در همه کلمات به ترتیب تکرار شده است را به عنوان ۳ حرف
اصلی جدا کرده و حروفی را که اضافی است به سه حرف اصلی (ف ، ع ، ل) اضافه کنیم .

ریشه

کلمات هم خانواده

ن ظ ر

ناظر - منظور - نظیر منظر
- نظارت

ن ص ر

منصور - نصرت - ناصر
انصار

وزن فاعل

فاعل چیست؟ فاعل یعنی کننده ی کار مثال :

ناصر : یاری دهنده

کاتب : نویسنده حامل : حمل کننده

ناصر

ر



ل

ص



ع

ا



ا

ن



ف

وزن کلمه : فاعل حروف اصلی : ن ص ر حروف زاید : ا

وزن مفعول

مفعول چیست؟ مفعول یعنی انجام شده

مثال :

منصور: **یاری شده**

مکتوب: **نوشته شده**

محمول: **حمل شده**

مکتوب

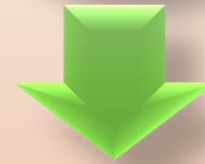
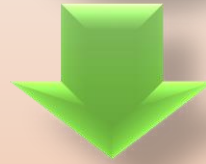
ب

و

ت

ک

م



ل

و

ع

ف

م

وزن کلمه : مفعول حروف اصلی : ک - ت - ب حروف زاید : م - و



فن ترجمه

با معنای دو وزن « **فَاعِل** » و « **مَفْعُول** » آشنا شوید .

معمولاً وزن « **فَاعِل** » به معنای « **انجام دهنده یا دارنده حالت** » و وزن « **مَفْعُول** » به معنای « **انجام شده** » است ؛ مثال :

حامد : ستاینده ، محمود : ستوده شده

ترجمه کنید .

یا صَانِعٌ كُلِّ مَصْنُوعٍ ، یا خَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ .



ای سازنده ی هر ساخته شده و ای آفریننده ی هر آفریده شده



التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ

التَّمرينُ الثَّاني

التَّمرينُ الثَّالثُ

التَّمرينُ الرَّابِعُ

التَّمرينُ الخَامِسُ

التَّمرينُ السَّادِسُ

التَّمرينُ السَّابِعُ

التَّمرينُ الثَّامِنُ

نورالسَّماء

الأرْبَعِينِيَّات



حروف اصلی و ترجمه ی کلمات زیر را بنویسید .

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

ترجمه	ترجمه	حروف اصلی	
عبادت شده	عبادت کننده	ع ب د	عابد ، مَعْبُود :
فتح شده	فتح کننده	ف ت ح	فاتِح ، مَفْتُوح :
نوشته شده	نویسنده	ک ت ب	کاتِب ، مَكْتُوب :
زده شده	زننده	ض ر ب	ضارِب ، مَضْرُوب :
خدمت شده	خدمتگذار	خ د م	خادِم ، مَخْدُوم :
دیده شده	بیننده	ش ه د	شاهد ، مشهود :

وزن كلمات جدول را بنویسید

التَّمرينُ الثَّاني:

مصدر	مضارع	ماضي	ريشه
إِخْرَاج	يُخْرِجُ	أَخْرَجَ	خ ر ج
إِفْعَال	يُفْعَلُ	أَفْعَلَّ	ف ع ل
تَسْلِيم	يُسَلِّمُ	سَلَّمَ	س ل م
تَفْعِيل	يُفَعَّلُ	فَعَّلَّ	ف ع ل
تَعَامَل	يَتَعَامَلُ	تَعَامَلَ	ع م ل
تَفَاعُل	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَّ	ع م ل
تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمَ	ع ل م
تَفَعُّل	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَّ	ع ل م

وزن كلمات جدول را بنويسيد

التّمرينُ الثاني

ریشه	ماضي	مضارع	مصدر
خ د م	إِسْتَحْدَمَ	يَسْتَحْدِمُ	إِسْتِحْدَامٌ
	إِسْتَفْعَلَّ	يَسْتَفْعِلُّ	إِسْتِفْعَالٌ
س ف ر	سَافَرَ	يُسَافِرُ	مُسَافِرَةٌ
	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَةٌ
ك س ر	إِنْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	إِنْكَسَارٌ
	إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفِعَالٌ
ش غ ل	إِشْتَغَلَ	يَشْتَغِلُ	إِشْتِغَالٌ
	إِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	إِفْتِعَالٌ

هر كلمه را به عبارت مرتبط با آن وصل كنيد

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

قَوَانِينُ الْمُرُورِ

قَوَاعِدُ السَّيْرِ وَ الْمُرُورِ فِي الشَّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ

الْمُسْتَشْفَى

أوراقٌ فيها أخبارٌ و مَعْلوماتٌ أُخْرَى .

الرَّصِيفُ

جَانِبٌ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ .

الصَّحِيفَةُ

مَكَانٌ مُجَهَّزٌ لِفَحْصِ الْمَرَضَى .

الْبُكَاءُ

جَرَيَانُ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزَنِ .

التمرين الرابع

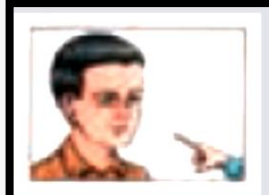
جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید

هو ، هما ، هم ، هي ، هن ، أنت ، أنتما ، أنتم ، أنتِ ، أنتن ، أنا ، نحن



أنا

أول شخص مفرد



أنت

دوم شخص مفرد



أنتِ



هو

سوم شخص مفرد



هي



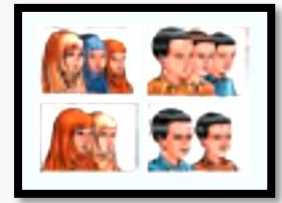
التمرين الرابع

جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید

هو ، هما ، هم ، هي ، هن ، أنت ، أنتم ، أنتما ، أنتن ، أنا ، نحن



ما

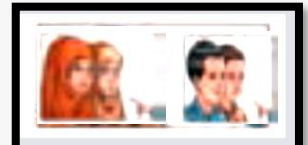


نحن

اول شخص جمع



شما



انتما



انتم



انتن

دوم شخص جمع



ایشان



هما



هم



هن

سوم شخص جمع



در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. « یک کلمه اضافه است »

التَّمْرِينُ الخَامِسُ

التَّالِي ، جِدَارِيَّةٌ ، شَاحِنٌ ، تَلْمِيذٌ ، الدُّمُوْعُ ، حَدَثٌ

١. يا زَمِيْلِي ، ما بِكَ ؟ لِمَ أَنْتَ حَزِيْنٌ ؟ ماذا **حَدَثٌ** ؟ 
٢. التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيْفَةٍ **جِدَارِيَّةٌ** 
٣. أَخِي **تَلْمِيذٌ** فِي الصَّفِّ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ. 
٤. **الدُّمُوْعُ** جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ الطُّفْلَةِ . 
٥. هَلْ عِنْدَكَ **شَاحِنٌ** الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ؟ 



کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه ها « ناهم‌هنگ » است ؟

التَّمرينُ السَّادِسُ



طائرة



سفينة



سيارة



هادئ



رصيف



خاتم



ساحة



شارع



نظر



شاهد



رأى



أكل



جار



شاي



شراب



ماء



نادي



سن



لسان



يد





فَاعِلٌ : **عَالِمٌ** ✓ يَفْعَلُ : **يَسْتُرُ** ✓ فَعَالَةٌ : **سَعَادَةٌ** ✓

فِعْلٌ : **عِلْمٌ** ✓ فِعَالٌ : **عِبَادٌ** ✓

۱- « إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ » الفاطر ۳۸ ﴿﴾
همانا خداوند دانای نهانِ آسمانها و زمین است.

۲. حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ . امام علی علیه السلام ﴿﴾
خوش رفتاری زشتی اصل و نسب را می پوشاند.

۳. إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ . رسول الله ﷺ ﴿﴾
همانا محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند ، اندرزگونه ترینشان است به بندگانش .

۴. شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالأَصْلِ وَالنَّسَبِ . امام علی علیه السلام ﴿﴾
شرافت انسان به علم و ادب است نه به اصل و نسب.

۵. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الخُلُقِ وَ مِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الخُلُقِ . رسول الله ﷺ ﴿﴾
از سعادت بنی آدم خوش اخلاقی و از بدبختی بنی آدم بد اخلاقی است.



التَّمرينُ الثَّامنُ

متن زیر را بخوانید سپس پاسخ پرسش های آن را بیابید .

أنا طالبٌ في الصَّفِّ التَّاسِعِ . اسمي إسحاقُ . لي أُختانِ ؛ مَهْدِيمٌ وَ لالين . هُما صَغِيرَتانِ فلا تَذَهَبانِ إلى المَدْرَسَةِ و عِندي أَخوانِ : هاشمٌ وَ جوادٌ . هاشمٌ أكبرُ أولادِ الأُسْرَةِ ؛ إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ المَدْرَسَةِ وَ الآنَ هُوَ حَلوانِيٌّ . جوادٌ في الصَّفِّ السَّابِعِ . نَحْنُ مِنْ مَدِينَةِ « سَراوان » في مُحافظةِ سيستان و بلوچستان .»

هُما صَغِيرَتانِ

هاشِمٌ

هاشمٌ

سراوان

في الصَّفِّ التَّاسِعِ

أُختانِ

- ١- لِمَذا لا تَذَهَبُ مَهْدِيمٌ وَ لالين إلى المَدْرَسَةِ ؟
- ٢- ما اسمُ أكبرِ البَنينِ في هذهِ الأُسْرَةِ ؟
- ٣- مَنْ تَخَرَّجَ مِنَ المَدْرَسَةِ ؟
- ٤- مِنْ أينَ هذهِ الأُسْرَةُ ؟
- ٥- في أَيِّ صَفِّ إسحاقُ ؟
٦. كَمَ أُختاً لِإسحاقِ ؟



بخوانید و ترجمه کنید

نور السَّماءِ



- ۱- مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ . البقرة ۶۲
- ۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ . الصف ۲
- ۳- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ . الأحزاب ۲۱
- ۴- إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ . البقرة ۱۸۶
- ۵- يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ . المجادلة ۱۱



(الأربعينيات)

- أ يُمَكِّنُ أَنْ تَرْجِعَ قَلِيلًا؟ آیا امکان دارد کمی برگردی؟
- لا بَأْسَ. اشکالی ندارد.
- عَفْوًا؛ أ تُعْطِينِي مَكَانًا حَتَّى أَجْلِسَ هُنَا؟ ببخشید؛ آیا جایی به من میدهی - نَعَمْ؛ تَفْضُلًا. بله؛ بفرما. تا اینجا بنشینم؟
- هَلْ يَسُدُّونَ بَابَ الْحَرَمِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟ آیا امشب در حرم را میبندند؟
- نَعَمْ. بله.
- عَفْوًا أَيْنَ مَوْقِفُ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟ ببخشید پارکینگ حرم کجاست؟
- خَلْفَ هَذَا الْبِنَاءِ. پشت این ساختمان است.
- هَلْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٌ لِلْعَتَبَةِ لِلذَّهَابِ إِلَى سَامِرَاءَ؟ آیا برای رفتن به سامراء، ماشین های حرم هست؟
- لا، مَعَ الْأَسْفِ. نه، متأسفانه.
- أ يُمَكِّنُ أَنْ تُسَاعِدَنِي؟ آیا امکان دارد به من کمک کنی؟
- لا بَأْسَ. أنا فِي خِدْمَتِكَ.
- اشکالی ندارد. من در خدمت هستم.





- أَيْنَ الْحَرَمِ؟ حرم کجاست؟

- أَيُّ جِهَةٍ بِلَا اِزْدِحَامٍ؟ کدام جهت شلوغ نیست؟

- مَنْ أَيْنَ اشْتَرَى شَاحِنَ الْجَوَّالِ؟ از کجا شارژر موبایل را خریدی؟

- أَيْمَكُنْ أَنْ تُعْطِيَنِي شَاحِنَ الْجَوَّالِ؟

آیا امکان دارد شارژر موبایل را به من بدهی؟

- عَلَى الْيَمِينِ. سمت راست.

- هَذِهِ الْجِهَةُ، عَلَى الْيَسَارِ.

- مِنْ ذَلِكَ الْمَحَلِّ. این جهت، سمت چپ. از آن مغازه.

- تَفَضَّلْ. بفرما.

قَبْرِ بِ «سُرَّ مَنْ رَأَى» أَمَانٌ لِأَهْلِ الْجَانِبَيْنِ. 

آلِإِمَامُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (ع)

قبر من در سامرا، موجب امان برای اهل هر دو طرف (شیعه و سنی) است.



exit

خروج از برنامه ✖

آیا قصد خروج از برنامه را دارید؟

خیر

بله

